
ویژه گیهای معنوی
حضرت خدیجه (س)
مهدی ورزنه.............. جلد ۲-۱

بسم الله الرحمن الرحیم

ویژگی های معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

نویسنده:

مهدی وزنه

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ویژگی های معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی وزنه

ناشر : مهدی وزنه

موضوع : حضرت خدیجه (س) - مقالات

جلد ۱

چکیده

همه ما در زندگی نیازمند به داشتن الگوی مناسب هستیم تا در سایه عمل کردن به تعالیم آن الگو زندگی موفقی داشته باشیم، یکی از زنـان نمونه وبرتر که الگوی منـاسب برای زنـان و مردان جامعه اسـلامی می باشـد، حضـرت خـدیجه (سـلام الله علیها) هستند. در مقاله با برخی از ویژگی های معنوی حضرتش آشنا می شوید.

کلید واژه

خدیجه (سلام الله علیها)، ویژگی های معنوی، پیشتازی، همراهی، بیعت.

مقدمه

در طول تاریخ، به خصوص در عصـر علم و صنعت و ارتباطات، تجربه ثابت کرده است که استعمارگران در هر جا پا گذاشتند از عضو حسـاس جـامعه، یعنی زن سوء اسـتفاده کردنـد، وبا معرفی زنان هرزه ی جهان به عنوان هنر پیش گان ممتاز و دختران شایسته، به اهداف خود برسند.

در مقابـل اسـلام بـه عنـوان یـک آیین سازنـده به این مطلب تـوجه کرده است وبـا معرفی زنـان نمـونه وبرتر پیروان خـود را از هرگونه هم سویی با الگوهای کاذب بر حذر داشته است.

بر همین اساس ما نیز به عنوان پیروان دین اسـلام به دنبال معرفی ویژگی های خاص و معنوی بانویی بر آمـدیم که نخستین زن مسلمان و نخستین همسر پیامبر (صلوات الله علیه واله) است.

ایشان مظهر کمالات انسانی، ایثار وقارت، مادری آزموده و فضیلت پرور یعنی مادر زهرای اطهر (علیها سلام)، حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) می باشند.

امیدواریم در این مختصر در حد توان برخی از ویژگی های معنوی آن بانوی علمی را ترسیم کرده باشیم.

الف- پیشتازترین بانو در گرایش به حق و عدالت.

اشاره

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پیشتازترین زن در تاریخ اسلام، در گرایش به حق و عدالت است، و این پیشتازی در اسلام، پیشگامی در ایمان، در نماز و نیایش با خدای یکتا و برپایی فرهنگ و منش مترقی، و سبقت در دست بیعت دادن با پیامبر، از ویژگی های معنوی درخشان او به شمار می رود.

به ویژه که در آن شرایط تیره و تار جاهلیت، مخصوصاً در مورد زنان و دختران، که بیشتر قربانی تاریک اندیش ها و تعصب های کورکورانه و خرافه سازی می شدند.

خدیجه (سلام الله علیها) هم به خاطر موقعیت اجتماعی و اقتصادی و مدیریتش، به طور طبیعی می بایست در اردوگاه

مخالفان نهضت تو حیدگریان محمد صلی الله علیه و آله قرار بگیرد، نه در اردوگاه نواندیشان و رو آورندگان و ایمان آورندگان به آموزه های ستم ستیز وحی و رسالت، تا چه رسد که از پیشتازان و پیشگامان اسلام و ایمان و آزادگی گردد و بر جایگاه پرفراز چهره های برجسته قرار بگیرد.

به تعدادی از روایات در این موارد می پردازیم:

۱- پیشتازی در اسلام

از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آورده اند که خدیجه (سلام الله علیها) به دخترش فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: «ثُمَّ تَسْتَقْبِلُکَ اُمُّکِ خَدیجَهُ (سلام الله علیها) اَوَّلُ المُؤمناتِ بِاللهِ وَ بِرَسُولِهِ (۱)......»؛ «سپس به پیشواز تو می آیند مادر ارجمندت خدیجه (سلام الله علیها)، آن بانویی که نخستین ایمان آورنده ی به خدا و به رسولش بود.».

و همچنین برخی از حدیث نگاران آورده اند که؛ پیامبر صلی الله علیه و آله در چهلمین روز از زندگی شان بود، روزی در غار «حراء» در حال نیایش با خدا و راز و نیاز با او، فرشته ی وحی بر آن حضرت فرود آمد، و در حالی که دو یار همراه او، علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) در چند قدمی آن بزرگوار بودند، مژده ی پیام رسانی و رسالت را به او داد، و این آیات را به قلب محمد صلی الله علیه و آله خواند: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَق (۲)»؛ «به نام خداوند بخشاینده ی مهربان. (هانی محمد!) قرآن را به نام پروردگارت که خدای آفریننده ی عالم است قرائت کن. آن خدایی که آدمی را از خون بسته آفرید... ».

پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از آنکه آیات الهی به رایشان نازل شد، به پیش

خدیجه (سلام الله علیها) آمدند، اما در راه خود به سمت خانه، سنگ ها و شن ها و گیاهان و درختان را می دیدند که در برابر او سرت عظیم فرود آورده بودند و بر او سلام کردند.

هنگامی که وارد خانه شدند، از خدیجه (سلام الله علیها) خواستند و گفتند: «زَمِّلونِی وَ دَثِّرونی»؛ (۳) «مرا بپوشانید و جامه ام را به رویم بکشید تا اندکی آرامش پیدا کنم.».

خدیجه (سلام الله علیها) هنگام استقبال از پیامبر صلی الله علیه و آله در سیمای ملکوتیشان درخشندگی و معنویت خاصی دید، و از پیامبر پرسیدند؟ «وَماهذَا النّور»؛ «این نور چیست!؟».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هـذَا نُـورُ النُّبُوَّهِ قُولِی لااِلَهَ الاّـ اللهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَه»؛ (۴) «خدیجه! این روشنایی، فروغ تابناک رسالت است، پس اینک با تمام وجود بگو خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست.».

این جا بود که حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، احساس ویژه ای در دلش کرد و گفت: من از زمان های گذشته در انتظار چنین روزی بودم و در این مورد مطالعه و فکر کرده ام، پس با همه ی وجود به یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورد: «آمَنْتُ وَ صَدَّقْتُ وَ رَضیتُ وَ سَلَّمْتُ»؛ (۵) «ای پیامبر خدا! من به آنچه خدا فرو فرستاده، ایمان آوردم و دین و آیین او را تصدیق نمودم و به گرایش به این راه و رسم خشنود گردیده ام و در برابر فرمان خدا فرمان بردارم.».

– و اما گفته های تاریخی در مورد پیشتازی خدیجه (سلام الله علیها) در اسلام زیاد است، نمونه ای از آن ها: «اَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِرَسول الله صلی الله

علیه و آله مِنَ الرِّجال عَلِیٌّ علیه السـلام وَ مِنَ النِّساء خَدیجَه (سـلام الله علیها)»؛ (۶) «اولین کسـی که ایمان آورد به رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردان علی علیه السلام بود از زنان خدیجه (سلام الله علیها).».

۲- پیشتازی در ایمان

به عقیده ی عده ای، دو واژه ی اسلام و ایمان، دارای یک معنا و مفهوم است، اما از دیدگاه عده ای دیگر با هم تفاوت دارند، چرا که اسلام به مفهوم پذیرش و اقرار به زبان است، اما ایمان، به باور عمیق قلبی گفته می شود.

اسـلام عبارت است از اعلام قانون گرایی و فرمان برداری از حق و پذیرش ره آورد وحی و رسالت است. بر همین اساس است که امنیت انسـان تضـمین می شود، امـا اگر این اعلام، همراه بـا باور و عقیـده ی قلبی باشـد، از آن به ایمان تعبیر می شود و به دارنده ی آن، مسلمان و با ایمان می گویند.

اما کسانی که تنها با زبان اسـلام آورده انـد و به خاطر امتیاز و فرصت ها و شـرایط اطراف و دفع خطر و هزینه، به این راه آمده اند، این ها از دایره ی ایمان بیرون هستند، هرچند به ظاهر مسلمان باشند.

این تفاوت ها و نوشـته ها برگرفته از آیه ی شـریفه ی قرآن است، که می فرماید: «قالَتِ الْأَعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لکِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا وَ لَمَّا یَدْخُلِ الْإیمانُ فی قُلُوبِکُمْ وَ إِنْ تُطیعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لا یَلِتْکُمْ مِنْ أَعْمالِکُمْ شَیْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ»؛ (۷) «اعراب بنی اسد و غیره که بر تو منت گذارده و گفتند ما ایمان آوردیم به آن ها بگو شما که (ایمانتان) به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده اید لکن بگویید ما اسلام آوردیم و اگر خدا

و رسول وی را اطاعت کنید او از (اجر) اعمال شما هیچ نخواهد کاست و از گناه گذشته ی شما می گذرد که خدا بسیار آموزنده و مهربان است.».

از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده اند که در تفاوت اسلام و ایمان فرمود: «اَلاِسْلامُ عَلانِیَةٌ، وَالاِیمانُ فِی الْقَلبِ»؛ (۸) «اسلام آشکار است و به وسیله ی زبان هویدا می شود، اما ایمان باور عمیق قلبی است».

آن گاه با دست به سینه ی خود اشاره کرد و فرمود: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسانِهِ وَ یَدِهِ ...»؛ (۹) «مسلمان آن کسی است که دیگران از دست و زبان او امنیت داشته باشند، و او قدرت و امکانات و مقررات خدا و حقوق مردم را پایمال نکند.».

بله، ایمان فراتر از اسلام است و علاوه بر اقرار آگاهانه و آزادانه به اصول و فروع دین و معارف و مقررات خدا، زندگی فردی و اجتماعی و حتی ازدواج خود را بر اساس اندیشه و باور منش مورد نظر قرآن و آورنده ی قرآن تنظیم می کند و رابطه اش و رفتارش هم با خدا، خویشتن، پدیده های متنوع طبیعی و همنوعان بر اساس عدل و داد می شود و این می شود یک زندگی و ازدواج معنوی و برتر که لیاقت الگو شدن را دارد.

از ویژگی های معنوی خدیجه (سلام الله علیها) این است که نه تنها توحید گرا و ایمان آورنده ی واقعی به خدا و پیامبر و باور کننده ی پاداش و کیفر و بهشت و دوزخ بود و در کل بانوی ایمان و باور بود بلکه در این مسیر از همه ی زنان نواندیش و کمال طلب جلوتر بود، و در ایمان واقعی به خدا و پیامبر، پیشگام تر ین

و پیشتازترین زنان شد.

این ویژگی، خدیجه (سلام الله علیها)، در بسیاری از روایات بیان شده که ما به ذکر دو موردکفایت می کنیم: - پیامبر صلی الله علیه و آله، بارها در برابر ادعای دروغین برخی از زنان خود، در تجلیل از خدیجه (سلام الله علیها) فرمود: «ما اَبْدَلَنِیَ اللهُ خیراً مِنْها لَقَدْ آمَنَتْ بی حِینَ کَفَرَ النّاسُ وَ صَدَّقَتْنِی حِینَ کَذَّبَنِی النّاسُ... »؛ (۱۰) «خداوند هرگز همسر و همراه و مشاوری بهتر از او (خدیجه) به من ارزانی نداشت، چرا که در آن شرایط بحرانی که مردم به دعوت توحیدی من کفر می ورزیدند، او با شهامت و درایت به راه و رسم آسمانی من ایمان آورد، و آنگاه که آنان من را در رسالتم، دروغ گو می دانستند، او با اخلاص و درستی و راستی من را در دعوتم گواهی داد و... ».

در تاریخ همچنین آمده است: «وَجاءَتِ النُّبُوَّة فَأسْلَمَتْ فَهِیَ اَوَّلُ إمْرَأهٍ آمَنَتْ بِهِ ...»؛ (۱۱) «چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه (سلام الله علیها) با اسلام رو آورد، او نخستین بانویی است که به ایمان آورد... ».

یکی از حقایق دقیق تاریخی و روایی این است که؛

خدیجه (سلام الله علیها) نخستین بانویی است که به پیامبر و پیام آسمانی او ایمان آورد، و این ویژگی معنوی او به طوری مشهور و معروف است که در میان تاریخ نگاران و محدثان و دانشمندان نظر مخالفی ندارد.

۳- پیشتازی در نماز

نماز و نیایش به معنای واقعی آن، اگر در زندگی فردی، خانواده، جامعه و حکومت، مخصوصاً در زندگی زناشویی، از جایگاه معتبر و خالصانه و درستی برخوردار باشد، به عنوان مراسمی تشریفاتی و یا سوداگرانه به آن نگاه نشود، هم

نشانه ی رابطه ی دوستانه ی آن نمازگزاران با خداست و هم دلیل بر ویژگی های معنویتی و حق طلبی و قانون مداری و بشر دوستی آن هاست و هم اثر فوق العاده سازنده در بینش و منش و عملکرد و زندگی و در ادامه نسل های آن ها دارد.

چرا که این برنامه ی شبانه روزی در فرهنگ قرآن و روایات ما، در حقیقت روح عبادت، جان پرستش، بارزترین نوع بندگی و خلوص، پرواز روح و جان شیفته ی حق، معراج انسان در فضای بی کران معنویت، کلید بهشت، اوج گرفتن به قرب پروردگار، مهم ترین سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و... می باشد.

نمونه ی بارز سفارش به نماز در آیات الهی، از این قرار است: «... وَ أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما تَصْنَعُونَ»؛ (۱۲) «و نماز را (که بزرگ عبادت خدا است) بسته بجای آر که همانا نماز است که اهل نماز را از هر کار زشت و منکر باز می دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر است و خدا به هرچه کنید آگاه است.».

از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این مورد آورده اند که: «لاصَلوةَ لِمَنْ لَمْ يُطِعِ الصَّلوةَ وَطاعَةُ الصَّلوةِ أنْ يَنْتَهِيَ عَنِ الفَحْشاءِ وَالمُنكرِ»؛ (۱۳) «کسی که فرمان برداری از نماز نکند، نماز او در حقیقت نماز درست و خداپسندانه ای نیست، و فرمان برداری از نماز نیز آن است که نمازگزار از زشتی و گناه دوری گزیند.».

به عبارتی دیگر پیام این روایت را می توان این طور گفت که:

نمازی انسان را از گناه و زشتی دور می سازد، که نماز واقعی باشد یعنی نمازی باشد که به آن دل دهیم و پیام

انسان ساز آن را بشنویم و در کنارش کارهایی را انجام دهیم که ما را به خدا نزدیک کند. نه اینکه نمازگزار از گناه و زشتی و پایمال ساختن امنیت و آزادی مردم دوری نکند و یا اینکه حتی در نماز تازه گم شده هایمان را پیدا کنیم، تنها وقتی نماز اثربخش است که از نافرمانی خدا توبه ی واقعی کنیم و خود را از اسارت هواها و وسوسه های شیطانی دور کنیم، همان طور که خدیجه (سلام الله علیها) این گونه برتر و والاتر بودند و نه تنها نماز و نیایش واقعی داشتند بلکه در انجام آن پیشتاز بودند، از جمله برخی روایات در زمینه ی پیشتازی خدیجه (سلام الله علیها) در نماز؛

- پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پیش از دعوت اسلام و دعوت به ایمان، بارها فرشته ی وحی را دیده بود و نماز و نیایش را آموخته بود، و مدت ها بود که به طور پنهانی خدا را پرستش می کرد و نماز می خواند، روزی در حال نماز خواندن بود که علی علیه السلام آمد و آن حضرت را در حال نماز خواندن دید، او پیامبر را در حال دعا و نیایش دیده بود ولی در حال نماز خواندن ندیده بود، پس پرسید:

«یاابالقاسم، ماهذا!؟»؛ «ای پیامبر، این چه عبادتی است!؟».

«قالَ: هذِهِ الصَّلواهُ اللَّتی اَمَرَاللهُ بِها... فَدَعاهُ اِلی الإسلامِ فَاَسْلَمَ وَصَلّی مَعَهُ وَ اَسْلَمَتْ خَدیجَه...»(۱۴)

پیامبر فرمود: «این نماز است که خدا من را به انجام آن فرمان داده است... پس پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را به اسلام دعوت کرد، و او اسلام آورد و با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواند و

خدیجه (سلام الله علیها) نیز اسلام آورد و از آن روز به بعد هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز می ایستاد، علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) نیز با آن حضرت نماز می خواندند.»

روزی جناب ابوطالب به همراه پسرش جعفر از جایی می گذشت که دیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله در جلو در حال نماز خواندن هستند و علی علیه السلام در سمت راست و خدیجه (سلام الله علیها) پشت سر او، به آن حضرت اقتدا کرده و نماز می خواندند، ابوطالب پس از تحقیق و فهمیدن، به پسرش جعفر فرمود: «صِلْ جَناحَ اِبْنِ عَمِّک.»؛ (۱۵) «در کنار عموزاده گران قدرت محمد صلی الله علیه و آله قرار بگیر و با او نماز بخوان.».

جعفر با شنیدن حرف پدرش جلو رفت و اسلام آورد، و نماز خواند، در این حال ابوطالب شاد شد و سروده هایی را خواند.

عبدالله بن مسعود آورده است:

اولین چیزی که از اسلام و پیامبر گرامی دیدم و با شگفتی و شور و شوق یاد گرفتم، نماز و نیایش بود، روزی من به همراه گروهی از بستگانم و افراد قبیله ام به مکه رفته بودیم، پس از زیارت کعبه به رسم آن روز برای خرید، پیش عباس عموی پیامبر رفتم با او در حال گفتگو بودیم دیدیم مردی بزرگ وارد مسجدالحرام شد، در حالی که طرف راست او نوجوانی پرشکوه و پشت سرش بانویی باوقار بود، آنان تا نزدیک «حجر الا سود» رفتند، سپس آن مرد بزرگوار با نهایت ادب دستی بر آن سنگ کشید و آن دو. همراهش هم، همین کار را تکرار کردند، بعد از آن هر سه نفر

به طواف خانه ی خدا پرداخته و هفت بار طواف کردند، پس از طواف کنار «حجر اسماعیل» آمدند و به نماز جماعت ایستادند، من که تا آن روز چنین نماز و نیایشی ندیده بودم، در فکر رفتم و به عباس گفتم: «این چه دینی و آیینی است!؟ انگار دین تازه ای در مکه ظاهر شده و ما بی خبریم!؟».

عباس گفت: «بله، دین تازه ای است! محمد صلی الله علیه و آله فرزند عبدالله و برادرزاده ی ارجمند من است و آن نوجوان هم علی علیه-السلام برادرزاده ی دیگرم، پسر ابوطالب است و آن زن نیز خدیجه (سلام الله علیها) بانوی خردمند و کمال جوی حجاز و همسر محمد صلی الله علیه و آله است. محمد صلی الله علیه و آله از جانب خدا پیام آورده است که : «پروردگار او همان پدید آورنده و تدبیر گر جهان و انسان است و از سوی او برنامه ای برای رستگاری و نجات مردم آورده.».

پرسیدم:آیا مردم هم به دین و آیین او آمده اند!؟

جواب داد: «واللهِ ماعَلَی الارضِ کُلِّها اَحَدٌیَدینُ بِهذَا الدّین اِلّا هؤُلاءِ الثَّلاثَه»؛ (۱۶) «به خدا سوگند، که به کران تا کران این زمین پهناور، جز این سه تن و انسان توحیدگرا، کس دیگری را بر این دین نمی شناسم.».

پی نوشت ها:

۱- سیلاوی، الانوارالساطعه من الغراءالطاهره خدیجه بنت خویلد، ص ۳۵۴؛ محمدباقرمجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۵۳.

۲- سوره علق (۹۶)، آیات ۱ تا ۲.

۳- ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۱۱۸؛ عمربن کثیر قرشی، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۳؛ عزالدین ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۶، ص ۸۲؛ احمدبن علی. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۳۱؛ محمدبن یوسف

صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، ص ۱۵؛ علی بن یوسف حلی، العدد. القویه، ص ۳۴۰؛ زین الدین محمدبن علی ابن شهر آشوب، مناقب ال ابیطالب، ج ۱، ص ۴۴؛ عبدالحسین شرف الدین، النص و الاجتهاد، ص ۴۲۱.

۴- علی بن یوسف حلی، همان، ص ۲۳۷؛ زین الدین محمدبن علی ابن شهر آشوب، همان، ج ۱، ص ۴۸.

۵- محمدباقرمجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۲.

۶- محمدبن حسن طوسی، امالی طوسی، ص ۲۵۹.

۷- سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۴.

۸- جلال الدین سیوطی، تفسیردرالمنثور، ج ۶، ص ۱۰۰؛ محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۵۶؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۰۸.

۹- محسن فیض کاشانی، همان، ج ۵، ص ۵۶؛ محمدرضا قمی مشهدی، تفسیرکنزالدقائق و بحرالقرائب، ج ۱۰، ص ۳۸۷؛ ابن منظورمحمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۹۳.

۱۰- محمدبن نعمان مفید، الافصاح فی امامه امیرالمؤمنین، ص ۲۱۷؛ علی بن یوسف حلی، شرح منهاج الکرامه فی معرفه الامام، ص ۴۴۵؛ ناصر. مکارم شیرازی، الأمثل فی تفسیرکتاب الله منزل، ج ۱۳، ص ۲۴۵، به نقل از استیعاب و صحیح بخاری طبق نقل المراجعات، رساله ۷۲، ص ۲۲۹.

۱۱- عبدالرحمان بن علی بن محمد ابوالفرج، صفوه الصفوه، ج ۲، ش ۱۲۵، ص۷.

۱۲- سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵.

۱۳- محمدباقرمجلسی، همان، ج ۷۹، باب ۱، ص ۱۹۸.

۱۴- همان، ج ۱۸، ص ۱۸۴؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۸۷.

۱۵- فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۶.

۱۶- ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۶؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج ۷، ص ۵۵۷، ج ۱۷، صص

۴۱۵ و ۴۱۶، ج ۲۲، صص ۵۹۲ تا ۶۰۰، ج ۳۰، ص ۶۶۲؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ص ۲۵؛ عبدالحسین احمدالأمنی نجفی، الغدیر فی کتاب والسنه و الادب، ج ۳، صص ۲۲۷ و ۳۲۷؛ محمدعبده یمانی، الانوار فی مولدالنبی، ص ۱۹۸؛ محمدالحسون، همان، صص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ ابوالفتح کراجکی، کنزالفوائد، ج ۱، ص ۲۱۱؛ علی بن عیسی اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۱۳؛ عزالدین ابن اثیر، همان، ج ۳، ص ۲۲۶؛ محمدبن جدید طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۵۹؛ مؤسسه ال البیت، مجله ی تراثنا، ج ۲۱، ص ۲۰۰؛ محمد حیاه الانصاری، المثانی، ص۲۵۲.

جلد ۲

بیعت با پیامبر

حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، نه تنها پیشتازترین زن در گرایش به اسلام و ایمان و نماز و پرستش خدا بود، بلکه نخستین بانویی است که دست بیعت به پیامبر داد، و قهرمانانه پیمان بست که از حق حیات، حق آزادی، حق برابری و حق دفاع و سایر حقوق طبیعی و انسانی پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر فشار تاریک اندیشی و تعصب انگیزی، با همه ی وجود و امکانات خود دفاع کند، و در این پیمان وفادار ماند و یکدیگر ویژگی های معنوی او به شمار رفت.

با دقت در سیرهای حضرت خدیجه (که پاره ای از آن ها قبلاً اشاره شده)، دلیل این پیشتازی و پیشگامی خدیجه (سلام الله علیها) در تمام این موارد را می توان این طور بیان کرد؛

۱- او از مدت ها پیش، با ادیان اسمانی آشنا شده بود، و در مورد آن ها فکر و مطالعه کرده بود، و در پرتو این شناخت ها که از بشارت های موسی و مسیح در مورد پیامبر

اسلام بود، خیلی راحت تر آگاه شد و تصمیم گرفت.

۲- او شاگرد آگاه و پرشور و تلاش عمویش «ورقه» بود، که از عالمان بزرگ مذهب مسیح بود، و.

مفاهیم و مقررات و معارف مذاهب پیشین را به خدیجه یاد داده بود، و در راه زندگی، همواره مشاور خیرخواه و دلسوز بود.

۳- راز دیگر پیشتازی او به اسلام و ایمان، شناخت او از محمد صلی الله علیه و آله و شهرت آن حضرت به راستی و درستی و امانت داری و پاکی و پروا و... در سراسر حجاز بود، و از سوی دیگر او محمد صلی الله علیه و آله را برترین انسان های روزگار خود می دانست و این او را به هدفش نزدیک تر می کرد.

۴- امتیاز دیگر اسلام و ایمان و بیعت او با پیامبر این بود که بسیار خالصانه و سرشار از اطمینان قلب و یقین خالص بود. دلیل این بیان گواهی پیامبر به ایمان عمیق و استوار و دلیل دیگر این بود که او ثروت فراوان آبرو و اعتبار بسیار و آسایش و امنیت خود را پای دین خدا ریخت، و این همه فداکاری جز در پرتو اخلاص و یقین بالا نیست.

۵- امتیاز دیگرش این بود که اسلام و اسلام گرایی او نه احساسی بود و نه دنباله روانه، نه بر اساس مُد و پیروی از جریان محافظه کار و رایج جامعه و تاریخ بود و نه موسمی و فصلی و زودگذر؛ بلکه بر اساس آگاهی و شناخت و خردمندی و خردورزی و اخلاص و کمال طلبی بود.

بر همین اساس بود که خدیجه (سلام الله علیها) دوشادوش امیرالمؤمنین و همفکر و همرزم و هم اندیش با او،

اسـلام آورد، به پرفرازترین مراحـل ایمـان اوج گرفت و در پیمانش راه کمال و جمال، پس از علی علیه السـلام دست بیعت به پیامبر داد.

در این مورد آورده انـد که؛ هنگامی که علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) اسلام آورده اند و نمار خواندند، روزی پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو را صدا زد و فرمود: «انّ اِلاسـلام شُـروطاً وَعَهداً وَمواثیق... »؛ (۱۷) «شما برای تقرب به درگاه خدا اسلام آورده اید و در برابر برنامه ی آسمان تسلیم شده اید، این اسلام دارای شروط و عهد و پیمان است حالا اگر در اسلام و ایمان خود استوار هستند باید با خدا و پیامبرش بیعت کنید تا به سلامت و رستگاری برسید.».

سپس علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و دین او، برای فداکاری و ایثار تا پای جان بیعت نمودند.

– در روایت دیگری آمده است که: پس از اسلام و ایمان و نمازخواندن علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) روزی پیامبر گرامی آن دو را صدا زد و گفت:

این فرشته ی وحی است که نزد من آمده و می گوید: اسلام و باور آن دارای شرایط و پیمان هایی است، سپس در مورد یکتایی خدا، صفات کمال و جمال او، رسالت پیامبر، فرود وحی و پیام آسمانی، ایمان به معاد و جهان پس از مرگ و پاداش و کیفر آن دنیا و دیگر اصول و فروع اسلام، صحبت کرد و از آن دو پرسید:

آیا به همه ی آنچه برای شما گفتم، گواهی می دهید؟

ابتدا امام علی علیه السلام و سپس خدیجه (سلام الله علیها) اقرار و

اعلام کردند که باور عمیق دارند و سپس: «فَوَضَعَ کَفَّ فِی کَفِهِ... »(۱۸)

پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خدا دست مبارک را باز کردند و دست علی علیه السلام را درمیان دست خود گذاشتند و فرمود: «علی جان! با من در مورد شرایط و مقررات اسلام بیعت کن که از من و آرمان من، همان گونه دفاع کنی که از خود دفاع کنی.».

امیرالمؤمنین غرق در شور و جذبه بود که با چشمانی اشک آلود گفت: «پدر و مادرم فدایت! به خواست خدا، همان گونه که فرمودی با تو دست بیعت می دهم.».

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله رو به خدیجه (سلام الله علیها) کرد و از او خواست تا دستش را روی دست پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهد و همان طور بیعت کند و او نیز با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد.

همراهی با امام علی (علیه السلام).

اشاره

از دیگر امتیازهای معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، مهر و لطف بی پایانش به علی علیه السلام، توفیق شرکت جدی در نگهداری، پرستاری و تربیت آن حضرت، سعادت همراهی و همگرایی و همفکری با او در دفاع از حق و پیامبر صلی الله علیه و آله و سرانجام هم بیعت با علی علیه السلام به عنوان امیر مؤمنان و جانشین راستین پیامبر به اشاره ی خود آن حضرت است.

وجود این ویژگی ها و در واقع ولایت مداری این بانو، از دیگر ویژگی های معنوی او بود که زندگی.

و ازدواج آن را معنوی تر و ماندگارتر می کرد:

۱- مربی و مدافع علی علیه السلام در کودکی:

از شگفتی های روزگار در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که در سال های اولیه زندگی شان، پدر و مادر خود را از دست دادند به همین خاطر به منزل عمویش جناب «ابوطالب» و همسر وفادارش «فاطمه» دختر «اسد» آمدند و این زن و مرد نگهداری و مراقبت و تربیت آن کودک نمونه را به عهده گرفتند و در این راه پرافتخار و پرفراز و نشیب از ایثار و فداکاری و محبت و عاطفه کم نگذاشتند، و بالاخره آن کودک در سن حدود بیست و پنج سالگی با خدیجه (سلام الله علیها) ازدواج کرد که در آن زمان ها بود که کودکی در خانه ی خدا، از پدر و مادر برگزیده ای به نام علی علیه السلام به دنیا آمد، ولادت امام علی علیه السلام هم زمان با سال های اول زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه (سلام الله علیها) مصادف بود و خواست خدا بود که این بار، این کودک متولد شده در کانون خانواده ای که برترین کانون کمال و معنویت

و فرهنگ و دانش بود بزرگ شود.

چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله با تدبیری حکیمانه پس از مشورت با عموی بزرگوارش ابوطالب و همسر او، کودک ارجمند آن ها را به خانه ی خود بردند؛ و اداره ی زندگی و تغذیه جسمی و فکری و عاطفی و اخلاقی او را به همراه همسر خود، خدیجه (سلام الله علیها) به عهده گرفتند.

در این مورد آورده اند: «ثُمَّ اِنَّهُ کانَ اَبوطالبٍ وَفاطِمَه بِنْت اَسَدْ رَبَّیا النَّبِیَ صلی الله علیه و آله وَرَبَیَّ النَّبیُّ وَ خَدیجَهُ لِعَلیٍ علیه السلام (۱۹)...»به این مضمون که: پس از رحلت جان سوز پدر و مادر ارجمند پیامبر در کودکی، جناب ابوطالب و همسرش مراقبت و تربیت او را بعهده گرفتند، پس از گذشت حدوداً دو دهه، دست حکیمانه ی تقدیر و تربیت و آموزش فرزند آن پدر و مادر را به پیامبر گرامی و همسر او، خدیجه (سلام الله علیها) سپرد و علی علیه السلام در زیر سایه ی آن دو بزرگوار رشد و نمو، نمود.

و آمده است که: «وَأخَذَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله عَلِیّاً علیه-السلام وَ هُوَ اِبْنُ سِتُّ سِنینٍ کَسِنِّهِ یَوْمَ أخَذَهُ أبُوطالِبٍ، فَرَبَّتْهُ خَدیجَهُ وَالمُصْطَفی إلی أنْ جاءَ الاسلامُ، وَتَرْبِیَتُهُما أحْسَنُ مِنْ تَرْبِیَهِ أبوطالِبٍ وَ فاطِمَهَ بِنْتُ أسِدٍ، فَکانَ مَعَ النَّبِیِّ إلی أنْ مَضی، وَبَقِی عَلِیٌ علیه السلام بَعْدَهُ... »؛ (۲۰) «پیامبر گرامی، علی علیه السلام را در آغازین سال های کودکی اش که در ششمین بهار از زندگی بود، با تدبیری حکیمانه از خانه ی عمویش ابوطالب و همسر او، به خانه ی خود و خدیجه (سلام الله علیها) برد، و این رویداد مهم، درست مانند همان رویدادی بود که در کودکی خود آن

حضـرت اتفاق افتاده بود، و جناب ابوطالب و همسـرش فاطمه، نگهداری و سـرپرستی محمد صلی الله علیه و آله را با بردن آن کودک به خانه شان به عهـده گرفتنـد، به این ترتیب علی علیه السـلام در کانون گرم خانه ی محمد و خدیجه بود تا زمانی که اسـلام آمد و شرایط تربیتی و نگهداری پیامبر و خدیجه برای علی علیه السلام بهتر از شرایطی بود که ابوطالب و همسرش برای پیامبر بوجود آورده بودند.».

– و روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اَخْتَرْتُ مَنِ اخْتار اللهُ لی عَلیکُم عُلِّتاً» (۲۱).

۲– مهر خدیجه (سلام الله علیها) نسبت به امام علی (سلام الله علیه) :

پس از رفتن علی علیه السـلام به خـانه ی خـدیجه و پیامبر، علاوه بر اینکه خـدیجه (سـلام الله علیها) از تعهـد انسانی خود برای نگهداری و مراقبت و تربیت آن کودک اسـتفاده می کرد، ولی مهر آن کودک باعث شد خدیجه او را مانند فرزند خود بداند و به صورت وصف ناپذیری مهر و محبت او را به دل خود احساس کرد و مانند مادری، شیفته و شیدا برای آن کودک شد.

آن کودک شب و روز در خانه ی خـدیجه (سـلام الله علیها) بود؛ در کنار او زنـدگی می کرد، بازی می کرد، به جست و خیز می پرداخت و همراه با رشـد ظاهری و جسـمی، از نظر معنوی و اخلاقی، فکری و عاطفی و منش و روش مترقی که برگرفته از رهنمون ها و الگودهی های درخشان پیامبر و خدیجه بود، به کمال و شکوفایی می رسید.

در مقابـل، آن کـودک هم به پیـامبر و خـدیجه، دل بسـته بود و پـدر و مـادرش او را فقـط در خـانه ی این دو مربی آگـاه و پر معنویت و دو معلم دلسوز

می دیدند.

شاید بتوان انگیزه های این مهر و محبت خالصانه را در؛

- زیبایی و جاذبه ی وصف ناپذیر این کودک و چگونگی تولد او که درجای خود بی نظیر و ممتاز بود دانست.

- یا زیبایی معنوی و انسانی او که به تدریج و با گذشت زمان نمایان تر می شد و موجب بیشتر شدن محبت خدیجه (سلام الله علیها) به او می شد.

- اینکه خدیجه (سلام الله علیها) دلبستگی و مهر و محبت، پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به آن کودک می دید، به همین خاطر بهترین غذا و زیباترین لباس ها را برای علی علیه-السلام تهیه می کرد و به هنگام خارج شدن او از خانه، هم مراقب آراستگی لباس و سواره ی او بود، هم عده ای از کارگزاران را برای خدمت.

و مراقبت از آن کودک انتخاب می کرد، تا جایی که برخی از خدمتکاران و نزدیکان خدیجه (سلام الله علیها) فکر می کردند، آن کودک، برادر محمد صلی الله علیه و آله است.

- و شاید به خاطر نقش نجات بخش و بی نظیر، امام علی علیه-السلام در زندگی انسان ها و پیشرفت دین خدا و ارزش های بالایی که خدیجه (سلام الله علیها) در فکر آن ها بود.

- و مهم ترین دلیل این مهر و محبت، وصف هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله از امام علی علیه السلام داشتند. در روایات، پیامبر او را به خاطر پیشگامی در اسلام و پیشتازی در ایمان، به خاطر عدالت طلبی و آزادی خواهی، به خاطر آراستگی وصف ناپذیر به ارزش های اخلاقی و انسانی و به خاطر ویژگی ها و امتیازات و برتری های بسیارش بر همگان، ستایش می کرد، و او را الگوی شایست گان و محور حق و مرکز عدالت و

ل آزادگی و آزادمنشی معرفی می کند؛ ازجمله نمونه ای از دریای روایات که پیامبر فرمودند: «عَلِيٌّ خَيْرَ اُمَّتی، وَاَعْلَمُهُمْ عِلْماً، وَاَفْضَلُهُمْ حِلْماً»؛ (۲۲) «علی علیه السلام بهترین و دانشمندترین و بردبارترین چهره ی امت من می باشد.».

همچنین یکی از دانشمندان اهل سنت نیز در این مورد آورده: «و عليٌّ نَشَأ فِی بَیْتِ خَدیجهٍ وَ هُوَ صَغیر، ثُمَّ تَزَوَّج بَعْدَها فَظَهَرَ رُجوعُ اَهْل البَیْتِ النَّبَویّ اِلَی خَدیجَه دون غَیرِها...»؛ (۲۳) «به این ترتیب علی علیه السلام از کودکی در خانه ی خدیجه (سلام الله علیها) بزرگ شد و سپس با دخترش فاطمه (سلام الله علیها) ازدواج کرد، پس روشن می شود که ریشه و اساس خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی مادر به خدیجه (سلام الله علیها) برمی گردند نه به کس دیگری... ».

– محبت خدیجه (سلام الله علیها) هر روز بیشتر و بیشتر می شد، مخصوصاً وقتی محبت پیامبر صلی الله علیه و آله را به علی علیه–السلام می دید از جمله: آن حضرت می فرمود: «مَنْ اَحَبَّ عَلِیّا فَقَد اَحَبَّنِی، وَمَنْ اَحَبَّنی فَقَدْ اَحَبَّ اللهِ، وَ مَنْ اَبْغَض عَلِیّاً فَقَدْ اَبْغَضَنی وَمَنْ ابْغَضَنی فَقَدْ اَبْغَضَ اللهِ...»؛ (۲۴) «هان ای مردم! هرکس علی علیه السلام را دوست دارد، در حقیقت من را دوست داشته، و هرکس من را دوست بدارد، خدا را دوست داشته، و هرکسی که با علی علیه السلام دشمنی و عداوت کند، در حقیقت با من دشمنی کرده و کسی که با من دشمنی کند، در حقیقت با خدا دشمنی کرده است.».

– همچنین می فرمودند: «اَشْبَهْتَ خَلْقی وَخُلْقی، وَاَنْتَ مِنْ شَجَرَتِی الَّتی اَنَامِنْها»؛ (۲۵) «علی جان! تو در آفرینش و بینش و منش، مانند من هستی و از

همان درخت تناوری هستی که من از آنم.».

- و می فرمودند: «عَلِيٌّ خَيْرُمَنْ اَتْرُكُهُ بَعْدي»؛ (۲۶) «علی علیه-السلام بهترین چهره ای است که من پس از خود در میان امت برجای می گزارم.» و بسیاری فرمایشات دیگر که مجال نوشتن نیست.

۳- اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام:

در روایتی از پیامبر اسلام آمده است که: «عَلَى الصَّلَوةِ وَ الزَّكَوةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ مَا نُودِىَ بِشَىءٍ كَما نُودِىَ بِالْوَلَايَةِ» (۲۷).

اسلام پس از اندیشه و باور توحیدگرایانه و بشردوستانه، در میدان عمل به راین اساس و ارکان بنیان شده، (که با توضیحات بیشتر برای درک بهتر مطلب) است؛

۱- بر پایه ی رابطه ی دوستانه و آگاهانه با خدا و توحید گرایی خالص، که نشان آن، نمازهای شبانه روزی، پنج گانه است.

۲- رعایت حقوق انسان ها در جلوه های گوناگون زندگی که از مهم ترین آن ها، شناختن حقوق مالی و اقتصادی محروم ترین و بی دفاع ترین انسان هاست که نه توان گرفتن حقوق خود را دارند و نه توان دفاع از حقوق خود را دارند که باید به سراغ آن ها رفت و با انگیزه های پاک و خدایی و خالص، حقوق آن ها را بپردازیم.

۳- شرکت در مراسم پر معنویت حج و طواف خانه ی خدا با مقررات آن، که هرسال برپا می شود تا اندیشمندان و صاحبان قدرت به یاد داشته باشند که جامعه ی مطلوب و مورد نظر پیام بر صلی الله علیه و آله، جامعه ای است که برابری، عدالت، آزادی امنیت، حق حیات و دیگر اصول حقوق بشر برای سیاه و سفید، آشنا و بیگانه و توانمند و محروم، یکسان است و هیچ کس حق ندارد حقوق بشر را پایمال کند.

۴- روزه و رمضان، تا در هر سال یک ماه همه برای رفتن به میهمانی خدا فکر

کنند و خود را برای رفتن به ضیافت خدا با توبه و جبران گذشته و اصلاح خود و روابط اجتماعی و سیاسی، خود و جامعه ی خود را برای مهمانی خدا آماده کنند و کم شدن جرم و جنایت در این ماه، نشان دهنده ی آثار پربرکت این ماه است.

۵- و ولایت یعنی دوستی علی علیه السلام و فرزندان پاک سرشت و پاک روش آن حضرت، و آنان را به دلیل برتری در اندیشه و رفتار و منش، الگو و سرمشق و نمونه ی زندگی قرار دادن، که این واقعیت ولایت است نه چیز یا کس دیگر.

بر همین اساس بود که خدیجه (سلام الله علیها) از همان سال های اولیه ی دعوت، با شناخت مقام بالای امام علی علیه السلام با راهنمایی خدا و پیشنهاد پیامبر صلی الله علیه و آله، با امام علی علیه السلام به عنوان جانشین واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد.

نتیجه

با توجه به ویژگی های معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، می توان به این نتیجه رسید که در نظر او میان ایمان و عمل صالح یک پیوند محکمی وجود دارد. یعنی ایمان، در دیدگاه ایشان تنها باور عمیق قلبی بدون ضوابط و عملکرد مشخص نیست. بر همین اساس حضرتش در طول حیات طیبه اش همیشه خداوند را در نظر داشتند به مین سبب همیشه ماندگار و جاودانه می باشند.

پی نوشت ها

۱۷- محمدباقرمجلسی، همان، ج ۶۵، ص ۳۹۲.

۱۸- همان؛ سیلاوی، همان، ص ۳۳۹.

۱۹- زین الدین محمد بن علی ابن شهرآشوب، مناقب ال ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲۰- همان؛ محمدباقرمجلسی، همان، ج ۲۸، ص ۲۹۴.

۲۱- زین الدین محمدبن علی ابن شهرآشوب، همان، ج ۲، ص ۱۸۰؛ محمدباقرمجلسی، همان، ج ۳۸، ص ۲۹۴؛ نورالله شوشتری، ج ۱۷، ص۷۵.

۲۲- حسام الدین هندی، کنزالعمال، ج ۶، ص ۱۵۳.

۲۳- علی ابن ابوالفضل عسقلانی، فتح الباری بشرح البخاری، ج ۷، ص ۱۲۸.

۲۴- ابن عبدالبر، همان، ج ۳، ص ۱۱۰۱؛ محمدبن یوسف صالحی شامی، همان، ج ۱۱، ص ۲۹۳؛ حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص۴۵۸.

۲۵- محمدبن یوسف صالحی شامی، همان، ج ۱۱، ص ۸؛ علی حسنی میلانی، نفحات الازهار، ج ۵، ص ۱۲۱.

۲۶- علی ابن ابی هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۱۳.

۲۷- محمدبن حسن بن علی بن محمدبن حسین حرعاملی، ج ۱، ص ۱۳؛ محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی صدوق، همان، ص ۲۶۸؛ محمدبن حسن طوسی، همان، ص ۱۲۴؛ ابوعیسی ترمزی، الشمائل المحمدیه و الخصائل المصطفویه، ج ۱، ص ۲۸۶؛ یحیی بن حسن حلی ابن بطریق، العمده، ص ۳۳۱؛ محمدبن خالدبرقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶؛ محمدبن یعقوب بن

اسحاق کلینی، همان، ج۲، ص۱۸.

کتاب نامه

طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

ابن اثیر، عزالدین، اسد الغابه، بیروت، انتشارات دارالفکر،۱۴۰۹ه.

ابن جوزی، عبد الرحمن، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، بیروت، انتشارات صادق،۱۳۵۸ه.

ابن شهر آشوب، زین الدین محمدبن علی، مناقب ال ابی طالب، بی جا، انتشارات ذوی القربی، چاپ دوم، بی تا.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، دار صادر، بیروت،۱۴۱۴ ه. ق.

ابو الفرج، عبدالرحمان بن علی بن محمد، صفوه الصفوه، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، چاپ دوم،۱۳۹۹ه.

ابی الحدید، هبه الله، شرح نهج البلاغه، دار النشر، دار الکتب العلمیه، بیروت،۱۴۱۸ ه، الطبعه : الأولی، تحقیق : محمد عبد الکریم النمری.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه ی بنی هاشم،۱۳۸ش.

امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر فی کتاب والسنه و الادب، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ چهارم،۱۳۷۹.

الانصاری، محمد حیاه، المثانی، بی جا، بی نا، بی تا.

بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات موسسه بنیاد بعثت،۱۴۱۶ه.

برقی، محمدبن خالد، المحاسن، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه،۱۳۷۱.

البصری الزهری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار النشر دار صادر بی تا.

ترمزی، الشمائل المحمدیه و الخصائل المصطفویه، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه،۱۴۱۲ه.

حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه ال البیت،۱۳۰۸ه.

الحسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، بی جا، انتشارات اسوه،۱۴۱۱ه.

حسینی میلانی، علی، نفحات الازهار، قم، انتشارات مهر،۱۴۱۴ه.

حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، قم، انتشارات سید الشهداء،۱۴۰۸ه.

حلی، علی بن یوسف، شرح منهاج الکرامه فی معرفه الامام، بی جا، بی تا.

حلی، یحیی بن حسن ابن بطریق، العمده، قم، انتشارات جامعه مدرسین،۱۴۰۷ه .

ذهبی، شمس الدین محمد، تاریخ الاسلام، دار النشر، دار الکتاب العربی، لبنان، بیروت،۱۴۰۷ ه، چاپ اول.

راوندی، قطب الدین، الخرائج و

الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی،۱۴۰۹ه .

سیلاوی، الانوار الساطعه، چابخانه علمیه،۱۴۲۱ه.

سیوطی، جلال الدین، تفسیردرالمنثور، قم، انتشارات کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی،۱۴۰۲ه.

شرف الدین، عبدالحسین، النص و الاجتهاد، بی جا، انتشارات سید الشهداء،۱۴۰۴ه.

شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،۱۴۰۵ه.

شوشتری، قاضی نور الله، احقاق الحق، مکتبه آیت الله المرعشی، قم،۱۴۰۹ ه ق، چاپ:اول.

شیبانی، محمد بن عبد الکریم، الکامل فی التاریخ، دار النشر، دار الکتب العلمیه، بیروت،۱۴۱۵ ه، الطبعه : ط ۲، تحقیق : عبد الله القاضی.

صالحی شامی، یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، بیروت، دارالکتب العلمیه،۱۴۱۴ه .

طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، نشر اسلامیه، چاپ سوم،۱۳۹۰ه.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم،۱۳۷۲ ه.ش.

طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، قم، انتشارات دارالثقافیه،۱۴۱۴ه.

عبد البر، عبد الله بن محمد، الاستیعاب، دار النشر، دار الجیل، بیروت،۱۴۱۲، الطبعه : الأولی، تحقیق : علی محمد البجاوی.

عبده یمانی، محمد، الانوار فی مولدالنبی، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه،۱۴۱۸ه.

العسقلانی الشافعی، علی بن حجر أبو الفضل، فتح الباری، دار النشر، دار المعرفه، بیروت، تحقیق : محب الدین الخطیب.

عسقلانی، ابن حجر، الأصابه، بیروت، دارالکتب العلمیه،۱۴۱۵ه.

فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم،۱۴۱۵ه.

قمی مشهدی، محمد رضا، کنز الدقائق، تهران، سازمان چاپ وانتشارات وزارت فرهنگ اسلامی،۱۳۶۸ش.

کراجکی، ابو الفتح، کنز الفوائد، انتشارات دار الذخائر، قم، چاپ : اول، ۱۴۱۰ هجری.

کلینی، محمد، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم،۱۳۶۵ ه.ش.

کثیر قرشی، اسما عیل بن عمر، البدایه والنهایه، دار النشر: مکتبه المعارف - بیروت.

مؤسسه ال البیت، مجله ی تراثنا.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا،۱۴۰۴ه

مفید، محمدبن نعمان، الافصاح فی امامه امیرالمؤمنین، قم، الموتمر العالمی للشیخ المفید، چاپ:اول،۱۴۱۳ ق

مقریزی، احمد

بن علی، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه،۱۴۲۰ه.

مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیرکتاب الله منزل، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب،۱۴۲۰ه.

هنـدی، متقی بن حسـام الـدین، کنز العمال فی سـنن الأقوال والأفعال، دار النشـر، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ه-۱۹۹۸ م، چاپ اول، تحقیق : محمود عمر الدمیاطی.

هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، دار النشر، دار الریان للتراث، دار الکتاب العربی، القاهره، بیروت، ۱۴۰۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹